



# کارورزی و فناوری

۱۰۳

## صغری ملکی

مدرس دانشگاه فرهنگیان

گزارش تجربه‌تان را باید به صورت یک روایت بنویسید و هرکس مایل است می‌تواند فیلم کارش را هم داشته باشد، اصلاً فکر نمی‌کردم این فیلم‌ها در برنامه ما نقش پررنگی پیدا کنند. قرار ما این بود که دانشجو فعالیتی را اجرا کند. سپس روایتش را در کلاس همه با هم بخوانیم و شروع به نقد کنیم و البته اگر کسی فیلمی هم داشت، آن را ببینیم... اما بعد از گذشت چند جلسه، متوجه شدم که برای واکاوی‌های

نوشتن زیرنویس و... البته استفاده نکردن ما از این موارد تنها به دلیلی که بیان شد نبود. من در ترم اول متوجه شدم که تقریباً نیمی از دانشجویانم یا کامپیوتر ندارند و یا اینترنت، و از آنجا که برای موارد اشاره شده به هر دو این‌ها نیاز است و همه دانشجویان نیز باید در برنامه باشند، ما به‌طور موقت وارد این مقوله‌ها نشده‌ایم... اما کلاس ما نیز مانند همه کلاس‌های امروزی بدون فناوری هم نیست.

به هر حال در کلاس ما هم بنا به ضرورتی که پیدا شد، فناوری راه خودش را پیدا کرد و وارد شد... محور اصلی در برنامه «کارورزی ۲»، مشارکت در کار تدریس است. دانشجویان باید فعالیتی را طراحی و در کلاس اجرا و سپس ارزشیابی نمایند ولی به هر حال این اجرا باید به نحوی گزارش شود. وقتی در ابتدای ترم به دانشجویان گفتم

تقریباً یک سال است که سفر پرماجرایی را شروع کرده‌ام. سفری با شانزده دانشجو معلم در یک مسیر؛ مسیری پرفراز و نشیب و بسیار هیجان‌انگیز. شاید باورتان نشود اما این سفر ما فقط رفتن است و رفتن... و پایان و مقصدی ندارد. قرار است دو سالی من و دانشجویانم هم‌سفر باشیم؛ چهار ترمی با هم حرکت کنیم و بعد هر کسی راه خودش را برای سی سال خدمت جدا کند اما رسمی را که در این دو سال و در این راه و مسیر آموخته‌ایم، ادامه دهد. رسمی با عنوان فکور بودن و تأمل داشتن در کار. رسمی که امیدواریم در طول زندگی حرفه‌ای همواره همراهمان باشد... به نظر شما این سفر هیجان‌انگیز نیست؟

رمز و رموز و رسم و رسومی که می‌خواهیم با هم در این چهار ترم بیاموزیم به قدری پیچیده است که شاید علی‌الحساب، برای خود من فرصت چندانی برای فکر کردن به استفاده بهتر از فناوری در کارورزی را ایجاد نکرده است اما بی‌شک این درس، در صورت مهیا بودن امکانات، ظرفیت‌های فراوانی برای استفاده‌های گوناگون از فناوری دارد. استفاده از سایت‌های گوناگون برای بارگذاری فیلم، استفاده از فضای کلاس‌های مجازی به همراه گفت‌وگوهای بر خط (آن‌لاین) در این محیط‌ها، استفاده از نرم‌افزارهای مختلف و بهره‌گرفتن از آن‌ها برای برش فیلم،



## گاهی در پایان روایت، نویسنده و یا معلم نقشی مانند نقش یک قاضی پیدا می‌کند که با اطلاعاتی که نوشته و هم زمان واکاوی کرده است، به حکم جدیدی برای کلاسش دست می‌یابد

شخصی، روایت مکتوب بسیار مناسب است. اساساً نوشتن در ذات خود نوعی تأمل است. حال اگر نوشتن تجربه باشد و عرصه‌ای برای نوشتن شگفتی‌ها، سؤال‌ها، احساس‌ها، رضایت‌ها و نارضاقتی‌ها، اعمال و واکنش‌هایی که اتفاق افتاده است، این نوشتن در واقع با تأمل بر عمل همراه می‌شود و این تأملات می‌تواند موجب خودآگاهی کارورز یا معلم نسبت به عمل شود و تصویر روشنی از کلاس برای او به وجود آورد. در بعضی موارد، حتی در حین نوشتن این تأمل به قدری عمیق رخ می‌دهد که فرد هنوز روایتش به پایان نرسیده براساس تأملاتش برای جلسه بعد کلاس تصمیماتی واضح می‌گیرد و همین امر کم‌کم موجب بهبود اوضاع کلاسش می‌شود. گاهی در پایان روایت، نویسنده و یا معلم نقشی مانند نقش یک قاضی پیدا می‌کند که با اطلاعاتی که نوشته و هم زمان واکاوی کرده است، به حکم جدیدی برای کلاسش دست می‌یابد. البته گاهی هم نقش قاضی بودن، با ضبط و نگهداشت این روایت‌ها و بازخوانی مکرر آن‌ها ایجاد می‌شود. تجربه این چند ماه من در «کارورزی ۲» نشان داد که روایت نگاری راه بسیار مناسبی برای تقویت تأمل در عمل است و می‌تواند موجب بالندگی حرفه‌ای فرد



شود اما برای نقد گروهی و کلاسی، فیلم نسبت به روایت‌های مکتوب و پرینت شده افراد ابزار مناسب‌تری است. اینکه روایت‌های پرینت شده مجلس نقد را چندان پرشور نمی‌کند، تحت تأثیر عوامل مختلفی است. یکی اینکه دانشجویان هنوز به سطحی از روایت نویسی نرسیده‌اند که روایت‌هایشان برای دیگران خیلی جذاب و تأمل‌برانگیز باشد. دوم اینکه اساساً خواندن انتقادی یک متن مکتوب به زمان بیشتری نیاز دارد و برای بهره‌گیری از این روش بهتر است روایت دانشجویی که برای مثال می‌خواهد در این هفته نقد شود، یک هفته زودتر به دست اعضا برسد و بعد در یک جلسه حضوری نقد انجام گیرد. البته دادن نظر کلی در این زمینه به بررسی‌های بیشتر نیاز دارد اما به‌طور کلی، تجربه من در کارورزی ۲ نشان داد که نمایش فیلم واقعاً جلسات نقد خوبی به پا می‌کند. حتی برخی از دانشجویانم

می‌گفتند که در طول ترم، منزلشان هم به محلی برای نمایش فیلم‌های تدریسیشان و نقد آن‌ها تبدیل شده است. سحر می‌گفت: «فیلم‌هایم را در خانه با پدر و مادرم که هر دو فرهنگی بازنشسته‌اند، می‌دیدم. مادرم می‌گفت: «بین دخترم، وقتی می‌خواهی بچه‌ها را ساکت کنی این قدر فریاد نکش. اتفاقاً در این جور موارد صداقت را از همیشه آرام‌تر کن تا توجه بچه‌ها بیشتر جلب شود.» یکی دیگر از بچه‌ها می‌گفت: «هر بار که فیلمی از کارم می‌گیرم و به خانه می‌برم، با خواهر و برادرها و مادرم می‌نشینیم و نگاه می‌کنیم. هر کدامشان چیزهایی می‌گویند که برایم آموزنده است و...» سمیه یکی دیگر از دانشجویانم می‌گفت: «وقتی فیلمم را می‌بینم و مثلاً می‌فهمم یکی از بچه‌ها در آن سوی کلاس به کاری مشغول است، یکی در وسط کلاس واژگون شده است و من بی‌توجه مشغول کار خودم هستم، واقعاً به خودم می‌گویم من چرا اصلاً این صحنه‌ها را ندیدم...»

استفاده از فیلم دانشجویان در کلاس و برپایی جلسات نقد کلاسی، تجربه‌های دیگری هم برای ما داشت. برخلاف روایت‌های کتبی، در فیلم همه چیز دیده می‌شود: رفتار دانشجو، نحوه تدریس، عکس‌العمل بچه‌ها، کلافگی و خستگی یا لذت بردن و شادابی آن‌ها در حین کار،



همه و همه در فیلم دیده می‌شوند و در تمام این‌ها می‌توانند در پیچه‌های بیشتری را به روی نقد باز کنند و دانشجویان را با زوایای بیشتری از کار آشنا سازند.

نکته دیگری که در تجربه استفاده از فیلم‌های دانشجویی برای خود من اهمیت دارد، به دست آوردن شناخت بیشتر از دانشجویان است؛ مثلاً با دیدن این فیلم‌ها دقیقاً متوجه می‌شوم که نشانه‌هایی از هویتی تازه در برخی از دانشجویان در حال شکل‌گیری است. برای مثال، یادم می‌آید وقتی فیلم سوم الناز، یکی از دانشجویانم، را می‌دیدیم در صحنه‌هایی الناز با مهربانی به دانش‌آموزش می‌گفت: «بیا دختر قشنگم... بیا پای تخته... عجب دختر قشنگی دارم... بیا عزیزم...» این صحنه‌ها برای من به‌عنوان مدرس، این پیام را داشت که دوره کارورزی واقعا این ظرفیت را دارد که در آن هویت‌های معلمی کم‌کم در دانشجویان شکل گیرد. برخی دانشجویان دیگر خود را دانشجوی، نه معلم فرض می‌کنند و این شناخت، دید روشن‌تری از دانشجویان و کارورزی برای من ایجاد می‌کند. شناختی که بی‌شک بر تصمیم‌گیری‌هایم مؤثر است. دیدن این فیلم‌ها جنبه‌های دیگری از دنیای کلاس را هم به من نشان می‌دهد. مثلاً در همان صحنه‌ای که از فیلم الناز دیدیم، بعد از فیلم برخی از دانشجویانم می‌گفتند: «الناز دارد از معلمی‌اش در این دوره دانشجویی هم لذت می‌برد... استاد، چرا سروکار ما با مدرسه پسرانه افتاده است؟ ما هم می‌خواهیم لذت‌های معلمی را در این دوران تجربه کنیم... ما در مدرسه پسرانه فقط مشغول ساکت کردن پیچه‌ها می‌شویم... از کارمان لذت نمی‌بریم و... کم‌کم داریم از معلمی زده می‌شویم...» به هر حال، دیدن فیلم‌های دانشجویی نکات خیلی خوبی را از وضعیت دانشجویان، احساساتشان نسبت به معلمی و دانش‌آموزان،

مشکلات و دغدغه‌هایشان در اختیار من به‌عنوان مدرس می‌گذارد که بی‌شک در برنامه‌ریزی‌هایم تأثیر فراوانی دارد.

در ارتباط با دیدن فیلم‌ها و برنامه‌ای که این ترم داشتیم، نکته دیگری نیز اتفاق افتاد. یک بار یکی از دانشجویان به من گفت: «استاد، همه‌اش که نمی‌شود فیلم‌های اشکال‌دار خودمان را ببینیم؛ یک بار هم یک فیلم حرفه‌ای ببینیم.» وقتی این نکته را با دانشجویان دیگر هم مطرح کردم، دیدم تقریباً همه پیچه‌ها معتقدند که در کارورزی، باید علاوه بر دیدن کارهای دانشجویی، کارهای معلمان موفق و با اشکال کمتر هم نمایش داده شود. از آنجا که من چند سالی داور جشنواره الگوهای برتر تدریس هم بوده‌ام، تصمیم گرفتم برای تحقق این خواست دانشجویان چند تا از فیلم‌های منتخب را به کلاس ببرم اما واکنش دانشجویان برایم جالب و درخور توجه بود: «... استاد این‌ها چه فیلم‌هایی هستند... چرا این فیلم‌ها این قدر نمایشی هستند؟... این فیلم‌های جشنواره‌ای کجا... کلاس‌های واقعی کجا...» دانشجویان خواهان دیدن فیلم‌هایی از معلمان مجرب و حرفه‌ای در شرایط واقعی هستند، نه نمایشی. فیلم‌هایی که به نظر می‌آید باید مسئولان دانشگاه فرهنگیان به‌طور جدی به دنبال ساخت آن‌ها باشند و آرشیه‌های مناسبی از این‌گونه فیلم‌ها در موضوعات و رشته‌های مختلف برای مراکز مهیا کنند. نمایش دادن این فیلم‌های جشنواره‌ای برای دانشجویان جالب نبود اما فوایدی داشت. برخی از دانشجویان با اینکه نقدهای تند و تیزی نسبت به ساختگی بودن فیلم‌ها داشتند، در پایان فیلم یادداشت‌هایی هم برای خود بر می‌داشتند. وقتی از ساناز (یکی از دانشجویانم) پرسیدم: «با اینکه این فیلم‌ها را نمی‌پسندید، چه چیزی را یادداشت می‌کنی؟» گفت: «درست است

که این فیلم‌ها جشنواره‌ای و نمایشی هستند و صحنه‌هایشان بسیار مصنوعی است اما به‌خاطر همین مسابقه‌ای بودن هم شده معلم تلاش کرده است بهترین کارها را انجام دهد. من دارم نکات جالب را یادداشت می‌کنم تا در کلاس از آن‌ها استفاده کنم. مثلاً نحوه گروه‌بندی پیچه‌ها، نحوه ایجاد انگیزه، وسایلی که معلم با خودش آورده و...» به هر حال، یکی دیگر از کاربردهای فیلم در کلاس ما (هم فیلم‌های پیچه‌های خودمان و هم فیلم‌هایی که از بیرون می‌آوریم) انتقال تجربه و به کارگیری تجربه‌های یکدیگر بود.

## استفاده از فیلم دانشجویان در کلاس و برپایی جلسات نقد کلاسی، تجربه‌های دیگری هم برای ما داشت. برخلاف روایت‌های کتبی، در فیلم همه چیز دیده می‌شود: رفتار دانشجو، نحوه تدریس، عکس‌العمل پیچه‌ها، کلافگی و خستگی یا لذت بردن و شادابی آن‌ها در حین کار، همه و همه در فیلم دیده می‌شوند

استفاده از فیلم‌های دانشجویی در برنامه کارورزی علاوه بر موارد مطرح شده، مسلماً کاربردهای پنهانی نیز دارد. بالا رفتن اعتماد به‌نفس، تلاش برای پیشرفت و نمایش کاری بهتر، و شناخت بیشتر یکدیگر از کارکردهای دیگر استفاده از فیلم‌های دانشجویی در فرایند کارورزی است.

